

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد که دیشب که این بحث‌های فهرستی که روی نوشتارها کار می‌شود که عرض کردیم این نوشتارها نسبت به قرن دوم عده ایشان مستقیم از امام نوشتند عده ایشان هم خوب نه بعدها و ما انواعش را داریم یعنی این بحث فهرستی یک کار اساسی‌اش این است که تاریخ اینها را وضع اینها را جغرافیای اینها را یکی یکی روشن می‌کند ، البته عرض کردم با تمام زحمات و با تمام مراجعات و ریزه کاری‌ها و دقت‌ها و اینها یک چیزی در حدود ۶۰ - ۷۰ درصد را می‌شود روشن کرد بقیه هنوز ابهام دارد یعنی ابهام زیاد داریم .

که نتیجتاً شاید مثلاً با بحث حجیت و تعبد و اینها درستش بکنیم مثلاً قبول اصحاب و یا نسخه‌ی مشایخ و از این جور حرف‌ها و الا انصافاً این راهی را که عرض کردیم نمی‌تواند جواب بدهد و یک نکات دیگری را هم که بعد عرض می‌کنیم .

عرض کردیم کتاب برای نمونه دو کتاب علاء و کتاب معاویة بن عمار در حج خیلی خوب است اما آن الان نمی‌توانیم بحثش بکنیم چون آن باید نوشته بشود یعنی این نوشتار بیاورد مقابل انسان قرار بگیرد آدم آن وقت تعجب می‌کند که چطور اختلاف نسخ یعنی بعبارة اخرى معرفت مصدر بشناسیم مصدر کتاب ابن ابی عمیر است یا کتاب معاویة بن عمار است کافی نیست این‌ها تحلیل‌های خاص خودش را می‌خواهد در تحلیل فهرستی اینها یکی یکی بیان می‌شود نکاتش گفته می‌شود .

مخصوصاً کتاب معاویة بن عمار به خاطر بعضی جهات که الان نه حالش را دارم و توضیحش یک کمی طول می‌کشد نه اینکه چون باید بیاورم نوشته بیاورم بخوانم از کتاب بحار و دیگران و نکات لطیفی دارد خیلی نکات ظریف و فنی دارد آنجا خیلی فنی است انصافاً حقاً يقال یعنی بله به اصطلاح کوه را از پا در می‌آورد نکات فنی بسیار لطیفی این کتاب معاویة بن عمار دارد و مخصوصاً هم اختلاف نسخش از یک جهت و هم یک چیزهایی بعدها رسیده توسط همین فقه الرضا و نوادر و اینها می‌گویم خیلی طولانی است اگر من فقط برای نمونه مثال زدم نه اینکه بخواستم کتاب علاء را الان بخوانیم و تاثیر گذار هم هست یعنی اینطور نیست .

یک روایتی را اخیراً از کتاب علاء می‌خواهید بیاورید در وسائل در جلد ۱۴ چاپ قدیم ابواب ما یحرم بالمصاهرة و ثم تری قوله تعالی وربائبکم اللاتی فی حجورکم این روایتی که از عمار ، ایشان البته صاحب وسائل دو بار این روایت را آورده است بعضی‌سندها را یک جا آورده بعضی‌سندها را باب دیگر آورده که از این کارها می‌کند صاحب وسائل حالا اگر آوردید من یک نکته‌ای

یکی از حضار: جلد چند فرمودید ؟

آیت الله مددی: جلد ۱۴، ابواب ما یحرم بالمصاهرة کتاب نکاح، با داماد شدن به اصطلاح فکر می کنم باب ۹ یا ۱۱ است بله عن علی بن الحکم عن العلاء عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام و این کتاب یک کتاب بسیار معروفی است حالا شرح کتاب و اینها یکی از حضار: کتاب علاء؟

آیت الله مددی: بله بسیار

یکی از حضار: یکی داریم اینجا که عن محمد بن مسلم سالت احدهما علیهما السلام

آیت الله مددی: همین احدهما

یکی از حضار: عن رجل کانت له جاریة آدرسش را عرض کنم جلد ۱۴ که فرمودید صفحه ی ۳۵۱ ابواب ما یحرم بالمصاهرة باب ۱۸ حدیث ۲

آیت الله مددی: خوب ۱۸ حدیث ۲، یک باب هم مثلاً هفت، هشت باب بعدش هم می آوردش از یک مصدر دیگر، حالا این را بخوانید این بابش باب ۹ - ۱۱ گفتم همین ۱۸ است.

یکی از حضار: ۱۸؟

آیت الله مددی: بله همین که، نه چاپ مرحوم ربانی.

یکی از حضار: الان ربانی را دارم عرض کنم آل البيت را هم دارم بله.

آیت الله مددی: من چون نجف خواندم یا اینجا همه با چاپ آل البيت سروکارم با این بوده با ربانی بوده حالا یک قصه ی فشنگی هم داریم.

ما یک سفر که می خواستیم برویم حج این سه جلد حج ایشان را با خودمان برداشتیم بردیم که مثلاً در ایام حج، وسائل بله آنجا تفتیش گفت چه آوردید گفتم وسائل، گفت آقانی نمی شود ممنوع است کتابش، گفتم آقا این کتاب سیاسی نیست این کتاب الحج است فلان گفت نمی شود آقا ممنوع است، هر چه صحبت کردیم گفت خیلی خوب ما امانت می گذاریم مخصوصاً یک جوانی بود آن مرد کامل خیلی نق نمی زد یک مرد کاملی بود از این وهابی ها یعنی از این تندها بود یک جوانی بود مامور بود دلش به حال ما سوخت گفت خیلی خوب ما این را اینجا امانت می گذاریم ورقه هم به من داد شما حجتان را انجام بدید برگشتید بیاید این را بگیرید، گفتم خیلی خوب.

بله ما آقا برگشتیم و خدا من چه کار بکنم یک شرطه ی کمن سبز گونه هم بود یعنی تقریباً می شود گفت مثل سیاه گونه بود این گفت سید احمد مددی گفتم بله گفت پس بیا این کتابت را بگیر فهمیدم فرستادند تو راه به من گفت من این کتابت را خواندم چیزی نداشت بیخود

خیلی خنده دار است گفت ویل لمن کفره نمرود بعد ، ها این را به او گفتم ، گفتم آقا این کتاب الحج است این را من در حوزه درس خواندم و صحبت کردم و به او نشان دادم گفتم نگاه کن من حاشیه زدم به خط خودم این حاصل عمر من است این شوخی نیست این کتاب های سیاسی نیست این را آوردم برای مسائل حج که اینجا اتفاق می افتد این کتابی نیست که مسائل سیاسی باشد آن شرطه هم به من گفت . البته وقتی که رفتیم اولش یکی شان بهانه می کرد که نیست و اینها و بعد پیدا شد الحمدلله هر سه جلد ما را برگرداندند خلاصه ی مطلب از نعم الله لذا چون من با او کار کردم می گویم دل سعودی هم به حال من سوخت چون دیدم من حاشیه زدم الان بیشتر مراجعات من به اوست در درس هم توضیح می دهم می گویم آقا خیال نکنید مساله ای است من چون روی این کتاب حاشیه نوشتم اصلا بعضی ابواب الان نگاه می کنم خودم متحیر می مانم کی نوشتم اصلا خط من که خط من است کی نوشتم را خودم متحیرم مثلا ابواب دور از ذهن ابواب دین ابواب مثلا رهن من متحیرم که کی این حاشیه ها را نوشتم کی نوشتم که ضعیف حسن این سندش فلان است خودم هم واقعا متحیرم که کی نوشتم نمی دانم .

علی ای حال این را نگاه کنید حالا محبت کنید ، از سند اول بخوانید .

یکی از حضار : ایشان از کافی آوردند منتها چون سند عوض می شود من از خود کافی بخوانم چون در خود کافی هم متن همین است

آیت الله مددی : باشد اشکال ندارد چون چند تا سند دیگر هم دارد وسائل چون جمع است ،

یکی از حضار : عین متن کافی است .

آیت الله مددی : می دانم نه می خواهم مقابله کنم ، کافی یکی است می خواهم مقابله کنم . بخوانید .

یکی از حضار : حدیث سند اول حدیث اول باب از محمد بن یعقوب است .

آیت الله مددی : نه دومی

یکی از حضار : عن محمد بن یحیی عن محمد بن احمد بن عیسی بعد ایشان

آیت الله مددی : دارند عنه من دیدم بعضی آقایانی که ادعای حتی نسبت اعلمیت هم دارند عنه را زدند به محمد چون مرحوم صاحب

وسائل این طوری است حدیث را نشان می دهد عن محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی بعد می گوید حدیث دو عنه ، عنه را زدند به

محمد بن یعقوب خیال کردند از کلینی بیچاره ها اینقدر این عنه به محمد بن یحیی برمی گردد ، این اصولا البته روش صاحب وسائل این

روش علمی نیست الان قابل قبول نیست .

یکی از حضار : روشش قبول نیست صاحب وسائل ؟

آیت الله مددی: بله خوب

یکی از حضار: اینجا این طوری شروع کرده و باسناده عن الحسین بن سعید

آیت الله مددی: تا گفت باسناده حتما از شیخ طوسی است. این ببینید حالا حدیث اول را حالا

یکی از حضار: خواستم عرض کنم

آیت الله مددی: حدیث اول بخوان محمد بن

یکی از حضار: حدیث اول بعد می گوید و رواه الصدوق باسناده احمد بن محمد

آیت الله مددی: ببینید دقت کنید، صبر بکنید، اول می گوید محمد بن یعقوب عن فلان عن فلان بعد که تمام می شود و رواه الصدوق اگر گفت و رواه الصدوق دیگر حدیث بعدی روی صدوق عطف نمی کند روی محمد بن یعقوب این روش، هر جا اسم شخص را کامل آورد حدیث بعدی هم از اوست مثلاً گفت محمد بن علی بن الحسین بعد گفت و عنه مثلاً محمد بن علی بن الحسین باسناده مثلاً عن زرار و گفت و باسناده یعنی حدیث بعدی یعنی صدوق اگر اسمش را ناقص آورد عطف به او نمی کند و رواه الصدوق گفت حدیث بعدی، مثلاً حدیث بعدی گفت عنه این مربوط به صدوق نیست این روش علمی نیست دقت می کنید، اصلاً دیدم بعضی از بزرگان ادعای اعلیت هم می کنند اصلاً اشتباه کردند ملتفت روش ایشان نیستند این روش علمی نیست انصافاً این روش از نظر علمی الان قابل قبول نیست.

اینکه گفت رواه الصدوق خیلی خوب بخوانید بعدش

یکی از حضار: بعد هم دارد و رواه الحمیری فی قرب اسناد بعد آخرش می گوید محمد بن الحسن باسناده عن

آیت الله مددی: تا گفت محمد بن الحسن حدیث بعدی عطف بر محمد بن الحسن است.

یکی از حضار: این آخرش چیز کرده تعلیق کرده و باسناده عن الحسین بن سعید

آیت الله مددی: و باسناده یعنی محمد بن الحسن، با اینکه اسم حمیری هم در وسط برد اسم صدوق هم در وسط چون گفت و رواه الصدوق اگر بخواهد عطف بکند کامل تا گفت مثلاً اگر می گفت و رواه الشیخ باز به او عطف نمی کرد چون اسمش را کامل برد دقت کردید، این روش دقت کردید نمی دانم تا حالا دقت کردید، علمی نیست یعنی پسندیده نیست تا گفت محمد بن الحسن باسناده، حدیث بعدی تا گفت و باسناده یعنی محمد بن الحسن نه به صدوق، اگر حمیری را بخواهد به او عطف بکند چه می گوید عبدالله بن جعفر الحمیری، بعد حدیث بعدی را گفت و عن فلان باز هم برای حمیری اما اگر گفت و رواه الحمیری دیگر عطف به او نمی کند گفت و رواه الصدوق

عرض کردم من خیال کردم بلدید این یک روشی است صاحب وسائل دارد و انصافاً هم روش خوبی نیست ای کاش در آن اشکالات آقای بروجردی هم ایشان این را مطرح می کرد این روش علمی نیست الان ، آقای بروجردی اسم می برد همه ی کتاب ها را ک ، تهذیب ، الان این روش هم علمی نیست ، الان بیشتر اسم کتاب را کامل کافی ، تهذیب اسم می برند دیگر اینکه بنویسند کا ، یب ، به معنی فقیه اینطور دیگر این کار را نمی کنند این رمز گذاری را علمی نمی دانند ، می گویند می نویسیم اسم کامل اسم درست و حسابی همان که هست دقت می فرمایید ؟ بله من لا يحضره الفقيه اسم دقیقش فقیه من لا يحضره الفقيه است دیگر معروف شده به اسم من لا يحضره الفقيه خود وسائل یکی از حضار : کتاب من لا يحضره الفقيه نیست ؟

آیت الله مددی : نه فقیه من لا يحضره الفقيه

یکی از حضار : یعنی چاپ شده به اسم فقیه چاپ شده آقای خراسان به این اسم چاپ کرده است .

آیت الله مددی : فقیه من لا يحضره الفقيه ، به جای آن طیب من لا يحضره الطیب

یکی از حضار : فقیه یا الفقیه من لا يحضره

آیت الله مددی : نه فقیه من لا يحضره الفقيه بعد مشهور شد به الفقیه مشهور شد یا کتاب وسائل می دانید شما ،

یکی از حضار : چاپ خراسان با فقیه است .

آیت الله مددی : فقیه من لا يحضره الفقيه

یکی از حضار : جامعه مدرسین به نظرم غفاری کتاب است .

آیت الله مددی : بله

یکی از حضار : آن کتاب است .

آیت الله مددی : دقت می کنید این کتاب چیز وسائل الشیعة اسمش این اسمش تفصیل وسائل الشیعة که آل البيت به این اسم چاپ کرد تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة اصلاً اسم کامل کتاب این است یک تفصیل هم دارد اما فعلاً تفصیل را ذکر نمی کنند می گویند وسائل الشیعة این رسم است دیگر حالا تسامحاتی شد . آن من لا يحضره الطیب برای آن آقای چیز است به اصطلاح محمد رازی بفرمایید و باسناده عن الحسن بن سعید بفرمایید .

یکی از حضار : عن الحسن بن محبوب

آیت الله مددی : که خیلی جلیل القدر است هر دو بزرگوارند اصطلاحاً صحیح اعلائی است بفرمایید .

یکی از حضار: عن فضالة بن ایوب عن العلاء بن رزین

آیت الله مددی: عن الحسین بن سعید عن الحسن بن محبوب وفضالة، فضالة عطف بر حسن است یعنی حسین از دو راه یک راه فضالة یک راه حسن بن محبوب این خودش دو تا نسخه است و عرض کردیم مرحوم حسین بن سعید و علی بن مهزیار و برادرشان حسن یکی از لطایفشان این است میراث اهل کوفه را توسط فضاله نقل می کنند فضاله در اهواز بر این دو بزرگوار میراث کوفه را آورده ایشان از دو راه نقل می کند نسخه ی علاء این قدر معروف بوده این دو نسخه از علاء یکی نسخه ی حسن بن محبوب یکی نسخه ی فضالة بن ایوب هر دو هم تاریخش واضح است هر دو هم روشن است هر دو هم بدون ابهام عن العلاء بن رزین بفرمایید.

یکی از حضار: عن محمد بن مسلم قال سالت احدهما علیهما السلام عن رجل کانت له جاریة فاعتقت فزوجت فولدت ایصلح لمولاه الاول ان یتزوج ابنتها قال لا هی حرام وهی ابنته و المملوكة فی هذا سواء

آیت الله مددی: ببینید خیلی عجیب است این چند تا چون آن ربیبه حرام با آیه ی مبارکه ربائبکم، ربیبه دختر زنی است که انسان ازدواج با او می کند اینجا ببینید چقدر بحث فقهی و دقیق آورده است درباره ی علاء نوشته تفقه علی ید محمد بن مسلم. اولاً سوال این است که آیا مراد از ربیبه دختر زن آدم است یا دختر جاریه هم ربیبه است؟

یکی از حضار: دختر جاریه ی انسان هم

آیت الله مددی: یعنی اگر انسان یک زنی را خرید کنیزی خرید دختر آن کنیز هم ربیبه است یا نه؟ دقت می کنید؟ والجاریة والمملوكة یکی از حضار: سوال راوی از این مساله است

آیت الله مددی: نه امام جواب می دهد، سوال راوی این است که جاریه بود امام می گوید فرق نمی کند جاریه، دقت می کنید یعنی اینجا شرح آیه ی مبارکه است که ربائب شامل دختر کنیز هم می شود، یعنی زنی را که انسان مثلاً حلال بود برایش دختر او حالا حلایش به خاطر زوجیت بود یا مملوکی ملک یمین به قول آقایان. دقت کردید چه شد؟ این یک نکته والجاریة والمملوكة والحررة، بعد دقت کنید می گوید هی ابنته یعنی این هم هنوز مثل همان ربیبه است والحررة والجاریة

یکی از حضار: والمملوكة فی هذا سواء

آیت الله مددی: فی هذا سواء بعد؟

یکی از حضار: وعنه عن صفوان

آیت الله مددی: این تا اینجا ببینید عنه ضمیر عنه می گویم چون وسائل بدی دارد این و باسناده عن الحسین بن سعید ضمیر عنه به شیخ طوسی بر نمی گردد به حسین بر می گردد تا گفت محمد بن الحسن همه ی احادیث عطف به اوست گفت باسناده عن الحسین بعد گفت وعنه یعنی باسناده عن الحسین بن سعید می گویم این روش مطلوب نیست یعنی من دیدم بزرگان گیر کردند و نفهمیدند که اصلاً این ضمیرها را چگونه برگردانند یعنی شیخ طوسی باسناده عن حسین باز از کتاب حسین بن سعید بفرمایید ، عن صفوان این نسخه ی سوم ، حالا در این

سوال اول یک نکته هست

یکی از حضار: عن العلاء بن رزین مثله وزاد

آیت الله مددی: صبر کن نه صبر کن آن وقت غیر از اینکه دختر کنیز مثل دختر زوجه است یک نکته ی خیلی عجیب در این روایت دارد آن نکته ی عجیب این است و آن اینکه اگر انسان با زنی ازدواج کرد دختر نداشت درست شد ، بعد طلاقش داد بعد این زن با یک مرد دیگری ازدواج کرد از او دختر دار شد

یکی از حضار: شامل این هم می شود یا نه ؟

آیت الله مددی: ها ، این ربیبه ی من هست یا نه ، وقتی یعنی این دقت کردید وقتی که مادرش زوجه ی من بود اصلاً نبود به دنیا نبود ، دقت کردید امام می فرماید این هم ربیبه است حالا عجیب این است امام می گوید هی البته حالا مهمترش نه ببینید در نسخه ی صفوان ببینید دقت کنید خیلی لطیف است در نسخه ی صفوان همین سوال و جواب آمده همین جواب را امام می دهد و زاد ببینید ثم تلی قوله تعالی وربائبکم یکی از حضار: شامل اینجا می داند ربائب را

آیت الله مددی: خیلی عجیب است .

یکی از حضار: این استنباط خود علاء بوده است .

آیت الله مددی: خوب این را شما می فرمایید ، ثم تلی قوله تعالی ، ببینید وقتی کتاب علاء را جمع بکنید دو تا نسخه ی بسیار صحیح است هر دو نسخه صحیح اعلائی است فضالة و حسن بن محبوب تا همین جا دارند نسخه ی صفوان که اصح از آنهاست اعلاشان از آنهاست دیگر صفوان ، ثم تلی قوله تعالی وربائبکم

یکی از حضار: دیگر از اطلاقش استفاده می کند

آیت الله مددی: یعنی می گوید ربائب با این است با اینکه این اصلاً ربیبه نبود

یکی از حضار: این سوال زراره از امام صادق یک مقدار متفاوت شده قال سالت عن الرجل تكون له جاریة فیصیب منها اله

ان ینکح ابنتها قال لا هی کما قال الله وربائبکم التی فی حجورکم

آیت الله مددی: خوب این چون بعدش نه این را هم می دانم این نکته اش چیست نکته اش این است که اصلا بعد ربیبه بعد دختر به دنیا آمده است آن وقت یک روایت به نظرم فقط در دعائم الاسلام آمده متاسفانه اصحاب ما می گویند که این، چون ظاهر آیه ربیبه یعنی دختری را که انسان بزرگ کرده و در دامنش است اللاتی فی حجورکم در دامن، یک در دعائم الاسلام یک زنی را می گیرد بعد این زن را طلاق می دهد این زن یک دختری داشته در شام از امیرالمؤمنین می پرسند می گوید اشکال ندارد بگیرد چون فی حجورش نبوده است این خیلی عجیب است تمام با این معارض است. ما نداریم این شاید در فقه اسماعیلی ها بوده است ما این را نداریم ما اصلا کسی در بین فقهای ما نگفتند حتما

این بدتر از او اصلا ربیبه نبوده بعد به دنیا آمده نه فقط فی حجورکم نبوده، خیلی عجیب است ها یعنی عمده اش دقت کنید نکته را چه می خواهم بگویم این می گوید هی ابنته در آن متن می گوید هی ابنته

یکی از حضار: در دعائم یک روایت این شکلی آمد یک روایت می گوید که برای علاء بود وعنه قبلش جعفر بن محمد دارد علیه السلام انه قال اذا كانت الامة لرجل فوطئها لم تحل له ابنتها بعدها الحرة والمملوكة فی هذا سواء

آیت الله مددی: تلی قوله تعالی را نیاورده است. چقدر این نسخه فرق می کند، آن وقت این چه نکته ای دارد دقت می کنید حالا این نکته اش یکی این نکته اش

یکی از حضار: دو تا سند دیگر را هم بخوانم یا؟

آیت الله مددی: چند تا سند دیگر دارد؟

یکی از حضار: دو تا دیگر دارد

آیت الله مددی: این الان ببینید این سند سوم نسخه ی صفوان، نسخه ی صفوان تطبیق آیه کرد خیلی عجیب است. عن صفوان وعن علاء عن محمد، خیلی عجیب است همان سوال و جواب است، این سند دوم بخوانید بابا

یکی از حضار: چون برای کلینی یک مقدار کم دقت ایشان آورده از روی خود کلینی می خوانم چون می گوید ورواه مثله، واین در کافی

جلد ۵ صفحه ی ۴۳۳ محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن الحکم عن العلاء

آیت الله مددی: این یکی دیگر شد، علی بن الحکم عن محمد، آن سه تا شد دو تا اول برای شیخ طوسی از حسین بن سعید یعنی از حسین بن سعید سه تا این برای کلینی علی بن الحکم عن العلاء عن یکی از حضار: اینجا هم سالت اباعبدالله است احدهما نیست آیت الله مددی: ندارد،

یکی از حضار: عن رجل کانت له جاریة فعتقت فتزوجت این کلماتش هم درست است فولدت ایصلح لمولاه الاول ان یتزوج ابنتها قال هی حرام علیه وهی ابنته والحره والمملوکه فی هذا سواء آیت الله مددی: این مثل همان عینا خیلی عجیب است یعنی مقابله ی این متون خیلی لطیف است ثم تلی قوله تعالی یکی از حضار: ثم قراء هذه الآية

آیت الله مددی: ثم قراء هذه الآية وربائبکم خیلی عجیب است، با اینکه ایشان ربیبه اش نیست اصلا یعنی ربیبه یعنی نزد آدم تربیت شده دیگر اصلا نبوده به دنیا نبوده وجود خارجی نداشته که ربیبه باشد حجو رکم جای خودش حجو رکم باشد یا نباشد. دقت کردید؟ بعد بخوانید دیگر ندارد باز چرا دارد این.

یکی از حضار: آخر خود شیخ مرحوم کلینی اینجا سند دوم را می آورند بعد اینطوری می گویند که مرحوم آقای غفاری هم شماره ی جدید نزدند محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن العلاء عن محمد بن مسلم عن احدهما مثله آیت الله مددی: مثل همان کتاب حسین بن سعید است.

یکی از حضار: احدهما هم هست

آیت الله مددی: اما مثله آن تلی قوله تعالی را نداشت

یکی از حضار: نگفت ایشان فقط فرموده مثله

آیت الله مددی: تمام شد؟ حالا برو باز باب دیگر دارد.

یکی از حضار: در وسائل اینجا تمام می شود اما در فقیه هم هست بخوانم خودم از فقیه

آیت الله مددی: نه برویم باب دیگر است اصلا برای آقای ربانی را بخوانید می گوید یاتی باب فلان شماره ی فلان برای آقای ربانی

یکی از حضار: الان من نخوانم، فقیه را هم بخوانم دیگر

آیت الله مددی: خوب آن جا دارد.

یکی از حضار: بله چشم .

آیت الله مددی: عرض کردم یک اشکال اگر این اشکال را آقای بروجردی هم اشاره کرد اسانید را کامل نمی آورد یک بدی مرحوم صاحب وسائل این است آن وقت باب هم گاهی عوض می شود ای کاش فقط در همین باب مثلاً در باب دیگری این اگر ۱۸ است آن

یکی از حضار: باب ۳۱

آیت الله مددی: باب ۳۱

یکی از حضار: باب ۲۱

آیت الله مددی: باب ۲۱ بله

یکی از حضار: باب ان من ملک جاریة فوطئها حرم علیه وطی امها وبنتها بل اعتقت لا شرائهما لآخر عمره تا آخر چند حدیث آوردند

حدیث پنجم محمد بن علی بن الحسین باسناده عن

آیت الله مددی: ببینید اینجا اسم صدوق را کامل آورد

یکی از حضار: ششم شده و باسناده عن العلاء

آیت الله مددی: باسناده عطف بر صدوق است . چون گفت محمد بن علی بن الحسین و باسناده عن العلاء بخوانید .

یکی از حضار: این همانی است که در فقیه است از فقیه بخوانم با اجازه تان که دقیق باشد .

آیت الله مددی: بخوانید .

یکی از حضار: می شود فقیه جلد ۳ صفحه ۴۵۲ ، حدیث ۴۵۶۶ و روی العلاء عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال

سالت عن رجل كانت له جاریة وکان یاتیها

آیت الله مددی: این کان یاتیها زیادی نسخه ی صدوق است . یعنی چه می خواهد بگوید می گوید اگر مالک یک زنی جاریه بود اما وطی

نشده بود بعد آزاد شد آن دخترش دیگر حرام نیست ، روشن شد ؟ در چهار تا سند تا حالا خواندیم کان یاتیها درش نیست صاحب وسائل

هم عنوان بابی که الان اینجا خواندید یاتیها را اضافه کرد . من عرض کردم صاحب وسائل خیلی روی متون دقت دارد دقت کردید ؟ نکته ی

فنی روشن شد ؟

آن وقت ربیبه هست که کان یاتیها اما اگر خریده بود بعد رهاش کرد یعنی آزادش کرد بعد دختر دار شد اشکال ندارد ، چون مادر این طور

است اگر مادر را وطی کرد دختر حرام است والا فلا این در این چهار تا گفتم من آن دفعه هم عرض کردم پدر و پسر این طوری هستند به

مجرد عقد حرام می شود پدر عقد بکند بر پسر حرام است پسر عقد بکند بر پدر حرام است به مجرد عقد در مادر و دختر به مجرد عقد بر دختر مادر حرام می شود اما مادر اگر عقد کرد حرام نمی شود با دخول حرام می شود به مجرد عقد نه در این چهار تا سه تایش به مجرد عقد حرام می شود یک موردش این طوری است ، حالا آن دخول هم یک شرحی دارد که الان دیگر حالش را نداریم باشد یک وقت دیگر بفرمایید.

یکی از حضار: فباعها فاعتقت

آیت الله مددی: این فباعها را هم اضافه کرده است .

یکی از حضار: فتزوجت فولدت ابنة هل تستحل حرمتها لمولاه

آیت الله مددی: ببینید مقابله ی نسخه های علاء که می کنیم دقت کردید ، کجا ؟ این مقابله خیلی تاثیر گذار است که نشان بدهد دقیقا این نسخ با همدیگر چه اختلافی داشتند ، ایصلح لمولاه الاول ؟

یکی از حضار: قال هی حرام علیه ، هی علیه حرام . تمام .

آیت الله مددی: ببینید هی ابنته نیامد ، آیه ی مبارکه نیامد .

یکی از حضار: کل مطلب امام خودش نقل به معنا کرده است اینجا

آیت الله مددی: بعید است ، چون بعضی جاهایش متن هایش کاملا مثل هم بودند . حالا طریق صدوق را به علاء بخوانید .

یکی از حضار: اشکال این است که طریق صدوق به علاء یکی نیست که یک نسخه بوده

آیت الله مددی: چهار تاست مثل اینکه چهار تا

یکی از حضار: ایشان در سندهای مختلف در فقیه گاهی به واسطه ی حسن بن محبوب از علاء نقل می کنند که در خود

آیت الله مددی: نه در مشیخه بیاورید به نظرم در و ما ، چهار تا یا پنج تاست به نظرم

یکی از حضار: چهار تاست .

آیت الله مددی: در مشیخه ، دقت کردید چهار تا نسخه آنجا بود که خواندیم ، حالا و ما کان فیہ عن العلاء بخوانید

یکی از حضار: و ما کان فیہ عن العلاء بن رزین ، مشیخه جلد ۴ صفحه ی ۴۶۱ فقد روّیته عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما

آیت الله مددی: ابن الولید ، بفرمایید .

یکی از حضار: عن سعد بن عبد الله

آیت الله مددی: احتمال دارد کتاب الرحمة ی ایشان، کتاب های سعد با واسطه باشد چون کتاب الرحمة درش نکاح ندارد مگر روایات متفرقه ی ایشان باشد بله بفرمایید.

یکی از حضار: والحمیری جمیعا عن احمد بن محمد بن عیسی از اینجا به بعد راوی مشترک است عن محمد بن خالد عن العلاء آیت الله مددی: این محمد بن خالد در اینجا احتمالا محمد بن خالد برقی باشد، برقی پدر. اگر آن باشد تضعیف شده یعنی تضعیف نشده گفتند کان ضعیفا فی الحدیث این یک احتمال، یک احتمال به قرینه ی بقیه محمد بن خالد طیالسی باشد که از مشایخ بود بخوانید. یکی از حضار: این دومی اش این است که وقد روّیته عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما

آیت الله مددی: ابن الولید

یکی از حضار: عن سعد بن عبدالله والحمیری جمیعا عن محمد بن ابی الصهبان

آیت الله مددی: محمد بن ابی الصهبان همان محمد بن عبدالجبار است ایشان محمد بن عبدالجبار غالبا از صفوان نقل می کند صفوان بن یحیی

یکی از حضار: عن الصفوان بن یحیی عن العلاء

آیت الله مددی: همان نسخه ی صفوان که شیخ طوسی هم توسط مرحوم حسین بن سعید نقل کرده بود خواندیم الان ببینید این مقابله ی نسخ با همدیگر با اینکه روایت واحده هم من چون تازگی دریک بحثی بود که این روایت را متعرض شدم حالا نکته ی مهم تر آن است که بعد عرض می کنم بعد بخوانید.

یکی از حضار: وروّیته عن ابی رضی الله عنه عن علی بن سلیمان الزراری الکوفی عن محمد بن خالد عن العلاء

آیت الله مددی: اینجا طیالسی است مرادش طیالسی است بفرمایید.

یکی از حضار: وروّیته عن محمد

آیت الله مددی: این علوّ اسناد داشت. بفرمایید.

یکی از حضار: وروّیته عن محمد بن الحسن رضی الله عنه

آیت الله مددی: ابن الولید

یکی از حضار: عن محمد بن الحسن الصفار

آیت الله مددی: دومی صفار است اولی ابن الولید است چون گاهی هم دارد محمد بن الحسن محمد بن الحسن اولی ابن الولید دومی صفار است بله .

یکی از حضار: عن احمد بن محمد بن عیسی ، عن الحسن بن علی بن فضال والحسن بن محبوب عن العلاء

آیت الله مددی: ببینید ابن فضال هم اضافه شد ابن محبوب ، ببینید پنج شش تا راه شد خیلی عجیب است یک حدیث واحد، اگر کتاب علاء را بخواهیم استخراج کنیم با این ترتیب آن وقت ببینید چه می شود ؟

یکی از حضار: همه اش هم به کتاب علاء است .

آیت الله مددی: همه اش هم به کتاب علاء است ، آن وقت اگر کل روایات ایشان اصلا یک مطالب فهرستی ما اصلا ، بعد از کتاب علاء مهم تر کتاب ، البته کتاب علاء مستقیم نیست از امام نیست از محمد بن مسلم است بخواهیم باز روایت معاویه بن عمار آن دیگر ببینید چه مصیبت خیلی سنگین است آن دیگر خیلی سنگین است یعنی با چیزهایی که بعد پیدا شده مثل فقه الرضاء و نوادر و اینها آن خیلی اوضاع را عوض می کند کلا اوضاع را عوض می کند که الان من حال شرحش را هم ندارم من برای نمونه

آن وقت من در این روایت یک نکته ای اساسی هست ، یک نکته ای اساسی در این روایت هست در این روایت ببینید یک بحثی در کفایه هست که نمی دانم زوجتان صغیره و کبیره و ام الزوجة صدق می کند ، یک بحثی است که اگر تلبس به مبداء می خواهد یا نمی خواهد در اینجا این که مهم است امام می گوید این ریبیه ی اوست با اینکه اصلا به دنیا نبود ریبیه یعنی بزرگ شده ی او حالا حجور که هیچ رهایش کن این که در دامن همان پدرش بزرگ شده است اصلا ریبیه ی او نبود ، آن وقت از این چه می فهمیم یک نکته ای اساسی آن نکته ای که ما از این در همان بحث کبیره و صغیره هم عرض کردیم و چون اصحاب ما آن بحث را به مشتق بردند که نباید به مشتق می بردند آنجا توضیح دادیم این خیلی بحث است .

ما یک قاعده ی کلی داریم که آیا حیثاتی که در لسان ادله هست تعلیلی است یا تقییدی ، گفتیم قاعدتا حیثاتی که در لسان دلیل شرعی می آید تقییدی است ، قاعدتا این طور است . مگر دلیل بیاید که نه آن وقت مراد ما از حیثیات تقییدی یعنی خود متحیث با آن حیثیت موضوع هستند ، حیثیات تعلیلی یعنی فقط متحیث موضوع است ، این علت بروز حکم است .

در این جا بحث سر این است مثلا ام الزوجة ، ام الزوجة یعنی یک کسی که الان زوجه ای دارد صدق زوجیت بر او می کند امی دارد ام الزوجة آن برایش حرام است ، حالا مسالة زوجة دارد اما ام ندارد بعد ام پیدا می کند ، حالا شما می گوید چطور می شود زوجه باشد ام نداشته باشد ، مثل یک دختر یکساله را بگیرد مادر ندارد خوب ، بعد یک زنی او را شیر بدهد این می شود مادرش

یکی از حضار: بعد از ازدواج بشود مادرش

آیت الله مددی: روشن شد مثال؟ برای تعجب.

یکی از حضار: محل ابتلایشان نبوده است.

آیت الله مددی: بله خوب کار فقها همین است دیگر فتوای عجیب و غریبه در می آورند کارشان همین است، دقت کردید؟ این جا از فخر المحققین نقل کردند که این مبنی است بر مشتق که آیا متلبس نه ربطی به او ندارد اینجا نکته‌ی اساسی این است که کلمه‌ی زوجیت حیثیت تقییدی است یعنی کسی که زوج هست مادر او در حالی که زوج هست یا حیثیت تعلیلی است یعنی این مهم نیست مهم این است ذات زن را نگاه می کنند، ذات زن، متحیث به اصطلاح. ذات این زن را نگاه می کنند این ذات اگر مادر پیدا کرد این می شود ام الزوجه ولو در وقتی که زوج بود این ام نبود بعد ام شد مهم نیست. دقت کنید خیلی مهم است این مطلب.

قاعده‌ی کلی تقییدی باشد.

یکی از حضار: از کجا کشف کنیم این قاعده را

آیت الله مددی: ها این قاعده چون لسان دلیل هر چه آمد همان موضوعیت دارد. آن وقت این چه می گوید می گوید ربیبه این نیست که در دامن شما بزرگ بشود، مهم این است اگر با زنی شما رابطه داشتید هر دختری از این هم به دنیا بیاید این می شود ربیبه خوب دقت کنید، یکی از حضار: حیثیت تعلیلی بشود.

آیت الله مددی: یعنی تعلیلی. این ربطی به مساله‌ی مشتق ندارد این خیلی آثار در باب نکاح دارد. یعنی عمده‌ی نکته را نمی دانم دقت کردید چون ثم تلی قوله اول هم گفت هی ابنته هی حرام و هی ابنته به این مهم هم نیست.

یکی از حضار: این قاعده‌ی تعلیل و تقیید در جایی که موافق با احتیاط باشد

آیت الله مددی: بحث موافق احتیاط ندارد استظهار نه استظهار است، مثلاً فرض کنید یسالونک عن المحیض قل هو اذی، فاعتزلوا النساء فی المحیض این فاعتزلوا النساء حیثیت محیضش تقییدی است یا تعلیلی است اگر حکم این است فاعتزلوا النساء از زن‌ها جدا بشوید به خاطر عروض حیض ببینید یعنی اگر حیض هم منقطع شد جدا بشوید، این می شود تعلیلی روشن شد؟ و لذا اینکه آقایان آمدند گفتند استصحاب جاری می کنیم ما گفتیم ربطی به استصحاب ندارد این آیه را چطور معنا بکنیم فاعتزلوا النساء فی المحیض، اگر النساء فی المحیض شد یعنی زن و حیض پس اگر نقاء پیدا کرد اشکال ندارد اگر فاعتزلوا النساء بعلت المحیض حرام است یعنی آیا موضوع روشن شد این مراد من از تقییدی و تعلیلی؟

اگر موضوع فقط نساء بود این خیلی تاثیر گذار است این مطالب خیلی دقیقی است که آقایان در استصحاب و اینها درش گیر کردند که چکارش بکنند من خیلی ساده و راحت برای شما حل می کنم نتیجه ی ۴۰ - ۵۰ سال کار مطالعات خودمان است روشن شد ؟

ما آن مساله را چون آقایان دقت نکردند ننوشتند هیچ کدام از این آقایان شما نگاه نکنید در بحث کفایه دارد این بحث را نوشتند این توضیحات را ندارند این را برای اولین بار ما این توضیحات را دادیم . که از این روایت یعنی ببینید نسخه داشت ، نکته اش چه شد ثم تلی قوله تعالی ببینید و الا اول گفت هی حرام علیه هی ابنته اول گفت اینها را والحره والمملوکه فی هذا سواء اینها را فرمود ثم و این در بعضی از نسخ نبود نسخه ای که درش هست نسخه ی صفوان صحیح هم هست در اینجا دارد در یک نسخه ی دیگر هم دارد ثم قراءه قوله تعالی در یکی دارد ثم تلی قوله تعالی ، یعنی امام دارد شرح می دهد آیه ی مبارکه را یک آیه مخصوص به زوجه نیست مملوکه را هم می گیرد دو لازم نیست اصولا ربیبه باشد حجبور را رهایش کن ، نکته ی اساسی چیست نکته ی اساسی این است هر زنی که شما کان یا تیها هر زنی که شما با او ارتباط پیدا کردید هر وقت این دختر داشت ولو ده سال بعد از شما این ربیبه تان است .

یکی از حضار : این تعلیلی است

آیت الله مددی : ها تقییدی بگیریم مقید می شود. لذا این تلی قوله تعالی در حقیقت یک تفسیری است از امام که می خواهد بگوید حیثیت در اینجا تعلیلی است تقییدی نیست ذات این زن حرام می شود طبیعت این زن این طوری است که اگر این کار شد فی ما بعد ولذا در روایات ما هم دارد که اگر با زنی زنا کرد دخترش برایش حرام است . ولو زوجه هم نبوده است . دیگر شرح های دیگر دارد که تمسک به روایت که ما تمسک کردیم در ذیل این مطلب .

این نکته ی اساسی ترش به نظرم این است این خیلی نکته ی مهمی است پس اگر زوجه بود اما ام نداشت بعد از ازدواج من شد ام الزوجه ، و امهات نسائکم چون روایت این است امهات نسائکم آیه ی مبارکه ، این امهات نسائکم ظاهرش این است که زن باشد مادر است ، این زن بود مادر نداشت بعد از زوجیت مادر پیدا کرد شیرش داد . آیا او هم حرام است یا نه ؟ جواب نعم او هم حرام است ، آن هم امهات نسائکم صدق می کند ، ام الزوجه صدق می کند . ما بنا بود امشب اصلا بحث را کلا جای دیگر ببریم کتاب علاء گفتیم یک روایت ، ایشان گفتند کتاب علاء را بخوانیم ، اصلا نمی رسیم کتاب خیلی بحث طولانی است یعنی باید این اصلا نوشته بشود خیلی تدوین بشود و این یک کار بزرگ است این یکی از مصادر مهم ما در قرن دوم است کتاب علاء الان روشن شد برای شما یک روایت واحده را از شش ، هفت تا نسخه خواندیم نه از دو نسخه و بعد آن نکته ی اساسی که هدف ما بود آثار فقهی که برایش مترتب شد نکته را دقت کردید ؟ آن اثری را که برش مترتب کردیم که خیلی مهم بود . وصلی الله علی محمد و آله الطاهیرین